

توقيع مورخ آب ۱۹۲۷ خطاب به اعضاء مجلّه محافل مقدّسه روحانيّه در کشور مقدّس ايران و قفقازيا و ...

Shoghi Effendi

نسخه اصل فارسي



سروران جند ملکوت

اعضای مجلّه محافل مقدّسه روحانيّه در کشور مقدّس ايران و قفقازيا و ترکستان و اقليم مصر و هندوستان و عراق عرب و ترکیه و بریة الشام طراً ملاحظه نمایند

هو المعین روحی و ذاتی لكم الفداء یا أمناء البهاء و خلفاء حبه. چندی استقلم این مستمند بیاد پر حلاوت آن حبیبان ارجمند مشغول و مفتخر نگشته و قلب خسته کتیب از مراسله و مخبره با آن یاران دلداده نشئه ای تازه و نشاطی اندازه نیافته. سبب تراکم اشغال است و حصول مشاغل و موانع بی شمار. چون اندکی فرصت و فراغت یابم و در خلال متاعب بی پایان نفس راحتی بر آورم فی الفور بیاد آن ستمدگان مظلوم و ممتینامر حضرت قیوم افتم و بلیات متواتره و مجهودات مستمره آنان را بخاطر آورده قلم را بدست گیرم و باظهار ما فی الجنان از عواطف مکنونه و نوایا و تمنیات قلبیه و تشکرات صمیمانه پردازم و بقدر وسع و مقدورانظار منادیان امر قیوم و ادلاء صراط مستقیم را بفرائض اولیه و وظائف مبرمه منصوبه متزایده خویش متوجه و منعطف سازم بوعود حتمیه الهیه آنان را متذکر و شادمان گردانم و خدمات و مجاهداتو مساعی خلل نا پذیر آن ناشران الویه شریعة الله را تقدیر و ستایش و تقدیس نمایم.

ای بر گزیدگان جمال مختار و پرورده دست پروردگار طوبی لكم بشری لكم بما اختارکم المختار و أمطر علیکم من عالم الأنوار فیضه المدرار وجعلکم أئمةً وجعلکم الوارثین تالله الحق یحییکم ربکم الأبهی من أفضه الأعلى و یبارککم روح الأمين فی جبروته الأسنی و یبشّرکم عن خلف سراق البقاء و ینادیکم بأعلى النداء: أن یا و کلائی فی أرضی و سفرائی فی دیاری أتم أنجم سماء فضلی و سرج حکمتی فی مملکتی و مشارق أحکامی بین خلقی استبشروا بما اصطفیتکم و جعلتکم دعاة أمری و حفظة أمانتی و رعاة أغنامی و ادلاء اسمی بین الخلائق أجمعین. إذا فانصرونی یا أصحابی و أنصاری بأعمالکم و أنفسکم و ما أعطاکم ربکم إن کنتم صادقین. أما سمعتم ندائی أما أدركتم بدیع خطابی "و نراکم من أفقی الأبهی و نصر من قام علی نصره أمری بجنود من الملائکة المقربین"

ای برادران روحانی حضرت ربّ اعلی روح الوجود لمظلومیته الفداء بدم مطهرش ثوب رثیث عالم امکان را از اوساخ و مفسد قویه چندین هزار ساله پاک و پاکیزه فرمود و جامه جهان را از آودگی تعصب و تقلید مقدّس و مبرّا ساخت. شعله شرر بارشهادت کبرایش بنیان معتقدات عتیقه و مبادی سقیمه و اوهاماتبالیه را یک یک از اساس بر انداخت و



ORIGINAL

اراضی قلوب را از خس و خاشاک تعلقات و شبهات و توهمات و ظنونات ترابیه نجات داد و حاضر و مہیای اقتباس فیوضات و تجلیات نا متناہیہ نیر موعود ساختسپس جمال ابہی کشف نقاب نمود و بأشد اشراق پرتو بر آفاق انداختو بر اراضی طیّہ آمادہ مستعدہ بذر مبادی قیمہ خویش بیفشاند. بازوی اقتدار اساس مدنیّت بی نظیر در قطب جهان بنہاد و دعائم ارکان متینہ ای از برای آن بانیان قصر مشید در زبر و الواحشأبدع بیان تبیین و تشریح و تشریح فرمود. نہال حیات جاودانیرا در حصن حمایتش پنجاہ سال پیروانید و آن کشت گرانہا رادر حدیقہ وجود میراث مرغوب از برای جہانیان بگذاشت. بوعده امدادات غیبیہ پیروانش را شاد و مطمئن فرمود و چون لمعہ نور در پس حجابات غیب متواری گشت . ودیعة اللہ را سنین متوالیان یگانہ مولا و مقتدای اہل بہاء حضرت عبدالہاء در آغوش عنایتش پیروانید و بزلال عرفانش سقاییت کرد. از بادہای مخالف نفس و ہوی و لواعج تند فنا محافظہ فرمود و بیرگ و شکوفہ ہای نازنین دوحہ آمال رابیاراست. بقلبی آتشین و عزمی آہنن و بیانی چون سحر مبین ممالکاوروپ و امریک و آسیا و افریک را صلا زد و دعوت و دلالت بظلالیش بفرمود. بتمام قوی و حکمت کبری بتوطید ارکان و تحکیم اساسشریعت بہا پرداخت و مظفر و منصور از این خاکدان ظلمانی رحلت کرد و آیندگان را از پیروانش مثل اعلی و میزان اتم و اوافی باقی و پابندہبگذاشت. حال وقت آنست نوّاب و منتخبین جمہور اہل بہا کہپس از صعود آن سرور و سردار جند ہدی در صف اول حاملان علم و نشاندو در میدان مجاہدہ مشاربالبنان قیامی عاشقانہ نمایند و تأسی باآمولای یگانہ فرمایند بلیات وارده بر ان سہ مولای بزرگوار را بیاد آرنددامن ہمت بر کمر زند و ہستی خویش را فراموش نمایند. ہر بند و قیدی رابگسلند و بصرف رضایش دل بندند. بسویش قلباً و قالباً توجہ نمایند در آیات و نصائحش تمعن کنند. پس بہ حزم و متانت و انقطاع و رزانتبر اساسی کہ دست مشیت الہیہ نہادہ ایوان الہی را مرتفع سازند و قصرمشید را بنا نمایند و در انجام و اتمام آن عمل خطیر کہ بأصبع اقتدار ربّ عزیزمباشرت گشتہ ہمت موفور و سعی مشکور مبذول دارند. صیت مشہردر آفاق را تمکنی تام دہند و ستایش و تجید کنندگان آئین نازنین رادر زمرہ اہل یقین و فدائیان جمال مبین در آورند تا آن ہندسہ بدیعہ ایکہ انامل قدرت حضرت احدیت کشیدہ بہ ہمت و فعالیت امنیامر الہی بر صفحہ روزگار مرسم و منطبع گردد و بر الواح قلوب منقوش و محفور و الی الأبد محفوظ و مثبت ماند. اگر چنین نمایند و دقیقہ ای آسودہندشینند و ثبات و مداومت کنند جہان جہانی دیگر شود و این ظلمتکدہ رنج و بلا آئینہ جہان بالا گردد.

ای برادران روحانی موسم بہار الہی بسر آمد و موعود صیف پر بار و ثمر رسید. ریش ابر نیسانی جہان را تر و تازہ نمود و تخمہای حکمتلدنی را دست دہقان آسمانی بیفشاند. آثار و علائم ربیع روحانیاز ہر سمتی آشکار و پدیدار گردید. نسائم جان پرور یوم ظہور مرور نمود و نفحہ حیات جدید متضوع گشت. امطار بلایا و رزایا نزول یافت. و سیل خونین دم شہداء جاری و ساری گشت. صر صر امتحان بوزیدو طوفان فتنہ و انقلاب حدوث یافت. فوران نائرہ عشق الہیبغان آسمان رسید و جنبش و انقلاب روحی در حقائق کائنات ظاہرو ہویدا شد. اکنون میقات ظہور و بروز نتائج این حشر و نشور است و ہدایت اقتطاف اثمار یوم ظہور. ای اُمنای امر حضرت بہاءاللہ قدر این مقام را بدانید و مسئولیت خود را بشناسید و بپیمائید در اینمقام دقیقہ ای غفلت عالمی خسران است و ذرہ ای اہمال مورثسرت و ندامت بی پایان. باآثار رجوع نمائید و تکالیف شایستہ راز فحوی آیات منزله اش بیابید. فتنہ مؤمنین و مؤمنات بدلات و ہدایت ربّ الآیات البینات از میان خود شما بر انگیخت و بنمایندگیخوش بین بیگانہ و خویش محصّص و سرافراز فرمود. اعنہ اختیار رابکف کفایت آن پیشوایان بسپرد و افسر عبودیت بحتہ محضہ را بر فرقان سروران بنہاد. مصالح روحانیہ حزب مظلوم را در دست امنیامرش ودیعہ بگذاشت و طوق مسئولیت کبری بر گردن اسپران کوشیبینداخت. بصرافت طبع و طیب

خاطر خود را رهین و مقید ارشادات و تعلیمات آن موالیان عظام بنمود و تنفیذ تشریعات و تصمیمات قاطعه آنان را از مفروضات وجدانیه خویش بشمرد. این چه موهبتعضمائی است که بخشنده مختار بصرف اختیار بدست یاران جان نثارشیر آن نمایندگان مبذول داشته و این چه مسؤلیت گرانی است که برکتف آن بر گزیدگان گذاشته. شمائید وسائط اعطای فیض حضرت فیاض. شمائید وسیله ابراز راز حضرت بی نیاز. بیت الحرام راحامیان وفا دارید و شریعت ربّ الأنام را مروجینی جان نثار. خزائن علم حضرت معلومید و اداعی آن طیب مشموم. مؤسسین مدنیتهی مثیلید و ممثلین آئینی بی نظیر و عدیل. بانیان ایوان ربّ یگائید و حاملان پهای جان افزا. منادیان اسم اعظمید و نمایندگان سببلاقوم. مغبوط و محسود پیشینیانید و تعلیم دهنده و پیشوای آیندگان. افتادگان شرق را منقذ مهر پرورید و دردمندان غرب را طیبیان نیکاختر. نجات دهنده اسیران عام امکانید و یگانه امید هر خسته دلناتوان. این عنایات خفیه و نعم موهوبه جمال قدم جل اسمه الاعظم وقتی در انجمن بنی آدم بتمام قوی جلوه نماید که آن نمایندگان محترم در انظار دول و امم مظهر و مصداق این امر مبرم محیی رمم گردند: "أن اجعلوا سيفكم كلمة الله و سلاحكم السلام و جيشكم معرفة الله و قائدكم التقوى و ظهيركم الملائ الأعلی و نصيركم ربّ السموات العلی و زادكم التوکل علی الله و قوتكم تأیید یتتابع من شدید القوى".

وظائف مقدسه امنای محافل روحانیه در متون زیر و صحف حضرت بهاءالله و الواح نصحیه حضرت عبدالهء روحی لأدنی عبد من عبیدهما الفداء مدون و محفوظ. بعضی صریحاً منصوص و برخی بتلویح و اشارهمذکور و مبثوث. بمرور زمان و حدوث تغییرات و تبدیلات و انقلابات حتمی الوقوع در مستقبل ایام اهمیت و کیفیت و لزومیت هر یک بر هر مؤمن خدومی معلوم و مکشوف گردد.

و از جمله فرائض و وظائفی که بجز امنای محافل روحانیه احدی بر انجامو ایفای آن کما ینبغی و یلیق قادر و مستعد نبوده و نیست و تأخیر و اهمال در این مورد من بعد باعث مشکلات گوناگون گردد تجسس و تحقیق و تعیین و حفظ و تملک مواقع متبرکه تاریخیه امریه در بلدان و ممالک شرقیه استهر چند مواقع بعضی از این بقاع مطهره معلوم و مثبت و قلیل از آن در حوزه تملکات یاران الهی داخل و محسوب ولی بسیاری از نقاط و مقامات دیگر از قبیل مدفن اصحاب و اولیاء و قتلگاه شهداء و منفی و محبس رجال امر و قلاعی که در اوائل ظهور مأمون و مرکز غزوات دفاعیه اصحاب بوده و ابنیه و اماکنی که ملاذ و ملجأ اسرا و غربا و موطن و مسقط الرأس اعظم و مشاهیر اصحاب در دوره بیان و عصر بهائیان است در زاویه نسیان متروک و موقعیتش مجهول و یا آنکه از دائره تصرفات هیئت بهائیان خارج از لوازم حتمیه و اقدامات مهمه امنای محافل روحانیه مباشرت و بذل همت و استقامت در انجام این فریضه مقدسه است. احسن و اولی آنکه محافل روحانیه هر یک لجنه ای مخصوص از قدمای احباب و اصحاب مجرب و فعال من دون تأخیر و تعویق تعیین و تشکیل نمایند و آنان بسیعی و نشاطی کامل و تدبیری حکیمانه و قیامی عاشقانه بتحقیق این امر خطیر و مقصد جلیلپردازند. آن هیئت محترمه باطلاع و صوابدید امنی محفل روحانی در هر نقطه ای بتجسس و تفحص از یار و اغیار پردازند و کسب معلومات لازم نمایند و همت بلیغ در تحقیق و اثبات موقعیت هر نقطه ای مبذول فرمایند و اطراف و اکفاف و مساحت آن مواقع متبرکه را بقدر وسع و استطاعت تعیین نمایند و در صورت امکان عکسی از آن مواقع متبرکه کهبرداشته با معلومات لازمه در محفظه آثار ضبط و حفظ نمایند و همواره بیدار و مترقب باشند و بهر وسیله ای ممکن نگذارند و هن و آفت و آسیبی از خارج بان مواقع متبرکه وارد گردد تا بتدریج چون صندوق محافل محلیو مرکزی تقویت یابد و مصادر وارداتش تعدد یابد و بر مدخولاتش بیفزاید آن مواقع جلیله و بقاع متبرکه که بعد از بقاع علیا اشرف و انفر و اعلی و ابهی مقامات در حیز امکان است در حوزه تملکات و دائره تصرفات مطلقه بهائیان در آید و متصل و منضم

بخطائر قدس گردد. و بمرور ایامینان رفیع مشرق الأذکار در حوالی و انکافش مرتفع گردد و بر رونقو روحانیت و ابهت و صفا و جلال معهد امریه بيفزاید و روح زنده و آزاد آئین رب العالمین را بر روی زمین بظاهر ظاهر مثالی برازندو تمثالی پاینده و میسر و مقرر گردد. در این سبیل آنچه را یاران الهی بدلالت و مساعدت محافل مقدسه روحانیه اجرا و انجام دهند محافل مرکزی اقلیم خویش نتیجه تحقیقات و معلومات و تشبثات و اجرا آتخوش را ارسال دارند تا آنان بر کلیه اقدامات مطلع و مسبوق گشته‌ین عبد را در ارض اقدس مطلع و دلشاد و مفتخر گردانند. نفس اینعمل جالب تأییدات حیّ قدیر است و مایه ازدیاد و عزّت و شوکت امر الله.

ولی ای عاشقان جان نثار زنهار زنهار مباشرت اینگونه عملیات و اقدامات شما را از پیروی و تعقیب امر مهم تبلیغ که اساس است و مدار هر مشروع و اقدامی باز دارد زیرا تبلیغ و تبشیر و ندای بامر بها مَرَّح و مقدّم و فائض بر تمام امور و ضامن ترقیو پیشرفت مساعی و مجهودات یاران غیور. مسبب اسباب استو مّمهد سبیل. دافع مشکلات است و ممدّ تمام اجراءات. زهی حسرتو دریغ اگر از آن محروم مانیم و در وادی نسیانش اندازیم و یا آنکه‌ها‌م‌ر دیگری را بر آن تفوق و ترجیح دهیم.

ای برادران روحانی و حافظان آئین یزدانی شنیده شد در این اواخر آواره و بیچاره بعباراتی قبیحه و اشاراتی شنیعه و روایاتی سخیفه‌تک حرمت امر الله نموده و حماقت و خبث درونی خود را بر بیگانو آشنا ثابت و آشکار کرده. با دشمنان دیرین و حسودان پر کینمرتبط گشته و بزعم خود اسباب دمار و خرابی بنیان رصین را فراهم آورده. زبان طعن و افترا باز نموده و بسخریه و استهزاء پرداخته. بعقیده فاسده خویش نقاب از وجه حقایق و اسرار برداشته و سرمکتوم را فاش و بر ملا نمودو بطلان امر بها را بر یار و اغیار محقق و مبرهن ساخته. إخماد نار محبة الله را سهل و آسان شمرد و إطفاء نور مبین را قریب و محتوم انگاشته أف له تعساً له بما اتّخذ أمر الله هُزواً و ارتكب ما ناح به الملائ الأعلی . بذلك یلعنه المملک و المملکوت ألا إله من الخاسرین. کرم مهینمبارزه باعقاب اوج علیین نموده و قطره منتنه مقابله با امواج محیط اعظم را امری یسیر پنداشته. بس ما ظنّ و بس ما فعل سوف تأخذُه صاعقة القهر و تمرُّ علیه نفحات العذاب إذا یجد نفسه فی أسف شدیده. در حق امثال این نفوس دنیته این فقرات قهریه از قلم آن منتقم قهار نازل: "تالله الحق قد ظهر البقاء و هلک الفناء و برز الوفاء و غنت الورقاء و جاء الله بسلطان الروح ففرّوا یا ملأ الحمراء من هذا الفارس الکریم أن یا جعل غرّ فی نفسک و مُت بغیظک بما فتح أبواب الفردوس و تهبّ نسائم مسک بدیع. أن یا طیر اللیل فاضرب علی رأسک الرماد لأنّ الشمس قد أشرقت عن هذا الجبین المنیر. أن یا عصافیر الأرض فاحترقوا فی أنفسکم بما غنت عندلیب القدس علی أفنان عزّ منیع. قل یا أعداء الله إن تقبلوا أو تعرضوا قد ظهر الجمال و کشف الحجاب و رفع النّقاب و ظهر الوجه رغماً لأنفکم یا ملأ الکافرین. قل یا ایها المغلین إن تسمعوا أو لا تسمعوا قد غنت الورقاء بنعمة الله و تکفّ بجناحین الرففروا یا ملأ الحمراء وح فی فردوس البقاء و تنادی کلّ من فی السموات و الأرضین."

ای امنای ممتحن امر جمال قدم از قبل اشاره گشت چون محیط اعظم امر الله بجوش و خروش افتد و امواج فتوحاتش اوج گیرد اجساد میته منتنه را بساحل اندازد و خود را از روائح کرپه کدره اش منفصل و مبرا سازد حال اگر مشتی از کلاب ارض گرد آن جیفه مطرود مجتمع گردند اعتنا نمائیدو بهیچوجه من الوجوه تقرب نجوئید و ذیل طاهر را مغبر و ملوث مسازید نظر را متوجه بمظاهر بهیه جلیه باهره امر نازنین نمائید و از شئونات و عوارضناشایسته کدره دل و دیده بردارید. هر فتح و ظفری را امتحانو اقتتان از پی و نور هر نصرت درخشانی را نار آزمایش از عقبتوجه و تمایل سروران

امم بمبادی قیّمه آن محیی رمم چنین عواصف شدیده‌ی را مقتضی و شهرت و استعلاء و استیلائی آئین نازنین حصول آفات و وقوع بلیّات را مستلزم. اگر چنین نگردد و آیت فضل و بخشش یزدانیا سیاط قهر الهی توأم و مجتمع نشود غش از ثمین و نحاس مغشوش از ذهبایز ممتاز و معلوم نگردد. "لن يظهر فی الأرض من شیء الا و قد قدر فیہ مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یحرک من ذرّة الا و قد قدر فیها حکمة بالغة و کیف هذا النّبأ الأعظم القویم". قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه را جنود مجنّده امر الله طی نمایند و دوره محن و مشقّات مقدّره محتومه منقضی شود و مجاهدین ممتحن سبیل الله مکللاً مظفراً منصوراً بسر منزل مقصود که عزّت جاودان و سعادت و کامرانید و جهان است رسند. در سوره هیکل نازل: "سوف یخرج الله من أکام القدرة آیادی القوّة و الغلبة و ینصرنّ الغلام و یطهرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقتدر القیوم و یدخلنّ خلال الدیار و یأخذ رعبهم کلّ العباد هذا من بطش الله إنّ بطشه شدید."

ای پاک پروردگار جمعیم امنای امر تو. گننامیم منادی باسم تو. از هر نام و نشانی گذشته ایم و از ما سوایت دودیده دوخته. جبل هر ولائی را گسسته ایمگسسته ایم و بآئین جهان آرایت پیوسته. بامید تأییدات زنده ایمو بوعده جان پرورت دل بسته. در سبیلت مجاهدیم و قضایایت راشاکر و حامد. پس ای مولای توانا قوّه بازو بنما و پید بیضا از جیب اقتدار برون آر. قدرت و صولت دیرینه آشکار کن و صفوف اهل شبّهات رادر هم شکن. آنچه را خود بما سپرده ای در آغوش مکرمّت محافظه نما و به سبیلرضایت دلالت کن از هر قید و دامی برهان و بسر منزل مقصود برسانمایدگان امرت را از هر آلائشی پاک و مقدّس نما و جامه بر و تقوی پوشانم و جین شریعتت را قوّه قلب عطا کن و بحکمت کبری دلالت فرما.

یاران و یاوران را نصرت ده و برگزیدگان را تأیید بخش. بر هر جمعی پرتو هدایتت بیفکن و عقد هر مشورتی را بألهمات غیبیه ات مددده تا بین و مبارکی این روز فیروز و عصر جهان افروز خدامآستانت در ظلّ تعلیمات مقدّسه ات مشروعات عظیمه ای تأسیس نمایند و منافع عمومیّه ترویج کنند. وحدت جمع اهل بها را محافظه نمایند و بر تحکیم روابط معنویّه بین شرق و غرب جامعه بهائی قیام نمایند بتبیین و تشریح اصول و فروع آئین مقدّست زبان گشایند و سنو احکامت و احکامات را بقدر مقدور بموقع اجرا گذارند. دائره معارف رادر اقالیم خویش وسعت دهند و زنگ تعصب و تقلید را از مرایای قلوبهم و طنان خویش بزداوند. عمومیّت و جامعیت و قهاریت امر بها را بر مدعیان مبرهن سازند و اعلام استقلال و غلبه ظاهره اش را علی قلال الآفاق بر افرازند. توئی مجیر توئی دستگیر توئی بیننده و توئی شنوا

بنده آستانش شوقی آب ۱۹۲۷